

ناترازی انرژی در ایران؛ چالش‌ها، ریشه‌ها، راهکارها و چشم‌انداز آینده

تجدیدپذیرها یکی از راهکارهای کمک به کاهش ناترازی است

هم‌اکنون ناترازی برق در ایران، وضعیت شکننده و نگران‌کننده‌ای را ایجاد کرده است که برطرف کردن آن به اجرای برنامه‌های ضربتی و اولویت‌دار همچون بهره‌برداری از منابع انرژی تجدیدپذیر نیاز دارد. به‌منظور بررسی «چالش ناترازی برق و ضرورت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و لزوم تولید برق از طریق نیروگاه‌های بادی و خورشیدی» با «امیرحسین هاشمی جاوید؛ کارشناس مسائل انرژی» به گفت‌وگو نشستیم که ماحصل آن اینک پیش روی شماست:



امیرحسین هاشمی جاوید
کارشناس مسائل انرژی

لطفاً در آغاز گفت‌وگو، درباره اهمیت امنیت انرژی و تعریف چالش ناترازی انرژی مقدمه‌ای بیان کنید.

انرژی و آب دو ستون فقره هر گونه توسعه پایدار و امنیت ملی در جهان امروز به شمار می‌رود. در منطقه‌ای که ایران در آن قرار دارد، به علت شرایط اقلیمی خشک و نیمه‌خشک و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی حساس، این دو منبع، اهمیت استراتژیک دو چندان دارند. امنیت انرژی و آب، نه تنها زیربنای ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی است، بلکه به‌طور مستقیم بر قدرت منطقه‌ای و جایگاه بین‌المللی ایران تأثیر می‌گذارد. ایران، با وجود برخورداری از ذخایر عظیم هیدروکربوری (دومین ذخایر گاز و چهارمین ذخایر نفت جهان) در طول سال‌های اخیر با پدیده‌ای به نام «ناترازی» در بخش انرژی و همچنین آب روبه‌رو شده است. این ناترازی صرفاً به معنای کمبود فیزیکی منابع نیست، بلکه به عدم تعادل ساختاری و مزمن بین تولید و مصرف اشاره دارد که پیامدهای عمیقی بر اقتصاد، محیط زیست و حتی ثبات اجتماعی کشور گذاشته است.

«ناترازی انرژی» به معنای نبود تعادل بین تولید و مصرف هرگونه حامل انرژی است؛ به این معنا که حجم تولید پاسخ‌گوی مقدار مصرف در کشور نباشد. در واقع ناترازی انرژی و آب وضعیتی است که عرضه منابع (اعم از برق، گاز، سوخت مایع و آب) به شکل مستمر از تقاضای واقعی و فزاینده جامعه و صنعت کمتر باشد.

این وضعیت به شکل کمبودهای مزمن،

می‌تواند موجب بحران‌هایی همچون خاموشی‌های برنامه‌ریزی نشده و گسترده برق، کاهش فشار و قطع گاز شهری و صنعتی، کمبود سوخت مایع در اوج مصرف و افت شدید منابع آب سطحی و زیرزمینی و جیره‌بندی آب و آسیب به زیرساخت‌ها شود.

ریشه‌های اصلی و ساختاری چالش ناترازی انرژی در ایران چیست؟ آیا یک عامل خاص را کلیدی می‌دانید؟

ریشه‌های عمیق این ناترازی چندبعدی در عوامل ساختاری است که نه تنها فنی، مدیریتی، بلکه ژئوپلیتیک، اقتصادی و محیط‌زیستی هستند و به اصلاحات ساختاری نیاز دارند. اگر بخواهیم یک علت اصلی را برجسته کنیم، «مدیریت ناکارآمد و کوتاه‌مدت منابع در رویارویی با رشد فزاینده تقاضا و تغییرات اقلیمی» است. اما این خود حاصل ترکیبی از عوامل گوناگون است که تقدم سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت بر برنامه‌ریزی بلندمدت و پایدار، الگوی نادرست مصرف، قیمت‌گذاری نامناسب و توسعه صنایع انرژی‌بر بدون الزام‌های بهره‌وری، از جمله آنها به شمار می‌رود.

عدم قیمت‌گذاری واقعی حامل‌های انرژی و آب هم موجب ایجاد الگوی مصرف ناسالم و هدررفت بالا شده است. چالش‌های حاصل از تحریم‌ها در جذب فن‌آوری و سرمایه خارجی برای نوسازی و توسعه هم امری بدیهی است. از سوی دیگر، اثرهای ملموس تغییرات اقلیمی (کاهش بارش‌ها، افزایش دما، افزایش تبخیر) که بر شدت بحران آب و در نتیجه انرژی (به

